

پرده نقره‌ای

تهرانی‌ها بیشتر سینمایی روند



در هفته‌ای که گذشت ۴۵۷ هزار و ۲۱۳ نفر به تماشای فیلم‌های روی پرده نشستند که از این میزان ۲۰۹ هزار و ۸۷۵ نفر شهروندان تهرانی بوده‌اند. با اینکه نمودار جمعیتی ایران ۵۰ درصد جمعیت برای تهران نیست، ولی ۵۰ درصد فروش سینما، تئاتر و حتی مطبوعات در تهران است و این برمی‌گردد به الگوی زندگی شهری و تمرکز امکاناتی که در تهران وجود دارد.

در حقیقت آنطور که مشخص است همچنان مردم برای سینما رفتن پرده‌های بزرگ را می‌پسندند و این می‌تواند یکی از دلایل فروش بالا در سینماهای تهران باشد.

یعنی امکانات در تهران و کیفیت سالن‌های پردیس‌های سینمایی باعث شده مردم تهران سینما را به عنوان یکی از موارد فرهنگی در سبک اقتصاد خانواده خود قرار دهند. شاید یکی دیگر از دلایل استقبال کم از سینما در شهرستان‌ها را هم بتوان به این گلایه سینما داران ربط داد که از مافیای کران می‌گویند و نظرشان این است که توزیع فیلم‌ها در سینماهای مختلف چندان مناسب نیست.

هزار راه نرفته
روی آنتن نرفت



با وجود اعلام رسمی مبنی بر پخش توضیحات تهیه‌کننده برنامه «هزار راه نرفته» درباره حواشی ایجاد شده در قسمت پنجم این برنامه، این آیتم روی آنتن نرفت. برنامه «هزار راه نرفته» که پخش سری جدید آن از شنبه (۱۴ اردیبهشت) آغاز شده بود، چهارشنبه شب پس از طرح موضوعی با حضور زوج مهمانش، ابهاماتی را پدید آورد که

شنبه شب (۲۱ اردیبهشت) قرار بود تهیه‌کننده این برنامه به توضیح در این خصوص بپردازد. این برنامه که قدمتی طولانی دارد و تولیدی است، قرار بود با ویدئویی ضبط شده درباره حاشیه‌ها همراه باشد که در نهایت توضیحات تهیه‌کننده پخش نشد. بر این اساس، در شرایطی که روابط عمومی شبکه دو، خبر پخش توضیحات تهیه‌کننده درباره قسمت پنجم را رسماً به رسانه‌ها اعلام کرده بود، به نظر می‌رسد در دقیقه ۹۰ جلوی پخش این آیتم گرفته شده باشد. این برنامه در پنجمین قسمت از سری جدید خود، از یک زوج جوان فعال در فضای مجازی دعوت کرده بود که مدعی بودند از زندگی گذشته خود در فضای مجازی دست کشیده‌اند. این برنامه از سوی برخی با انتقاد همراهی این گونه عنوان شد که این دونفر از آنتن تلویزیون برای شهرت بیشتر سوءاستفاده کرده‌اند که تهیه‌کننده قرار بود در این خصوص توضیح دهد.

دستمزد هفت میلیاردی

نوید محمدزاده تکذیب شد

وکیل نوید محمدزاده، ضمن تکذیب شایعات دستمزد ۷ میلیاردی این بازیگر، اعلام کرد از سایت منتشر کننده این خبر شکایت کرده‌است. در روزهای گذشته شایعاتی منتشر شد درباره دستمزد هفت میلیاردی نوید محمدزاده که برای بازی در یک سریال شبکه نمایش خانگی خبری که از یک سایت و کانال تلگرامی آغاز شد و در بعضی روزنامه‌ها هم بازتاب داشت. پس از انتشار گسترده این خبر، سیدحسین روحانی، وکیل نوید محمدزاده گفت: «پیرو انتشار اخبار کذب در یک سایت و کانال تلگرامی در خصوص دستمزد نوید محمدزاده، ایشان به دلیل نشر اکاذیب جهت طرح شکایت علیه مدیر مسئول سایت هفت‌راه در داسرای فرهنگ و رسانه اقدام کرده‌است.

فیلمی انسانی درباره خانواده‌های ایرانی

«به دنیا آمدن»، به اندازه و بهنگام



ایمان عبدلی

فرهاد و پری به میانسالی رسیدند و حالا سر بچه‌دار شدن یا نشدن اختلاف نظر دارند. این هسته مرکزی داستان فیلم «به دنیا آمدن» است که البته با تاخیر اکران شد. دلیل تاخیر اکران مشخص نیست اما احتمالاً فیلم برای پخش حلقه وصلی با مافیای اکران نداشته‌است. در هر صورت فیلم محسن عبدالوهاب (دستیار سابق رخشان بنی‌اعتماد)، فیلم اتمسفر و فضا است، یعنی اصولاً چنین فیلم‌هایی به‌ویژه در سینمای ایران توقع حرکت نداریم، پس اگر فیلمساز تعدماً فقط در پی شخصیت پردازی و کاراکتر اصلی ماجراست و یا به مکان‌ها توجه می‌کند، در واقع منطبق بر نیازهای

فیلمنامه‌اش حرکت می‌کند. البته اصولاً محسن عبدالوهاب الگوی فیلمسازی رخشان بنی‌اعتماد را عملی می‌کند، مثلاً نگاه کنید به «گیلان»، فیلم ظاهر از یک داستان کم حجم بهره می‌گیرد و سکون دارد، اما داستان بیشتر از این که در طول حرکت کند به عمق می‌رود. حالا همان الگو تولیداتی چون «لطفاً مزاحم نشوید» و یا «به دنیا آمدن» را به سینمای ما عرضه می‌کند. این‌ها را به مثابه هشدار نوشتیم، یعنی این که اگر مثلاً از تماشای فیلمی چون «متری شش و نیم» لذت می‌برید، دلیلی ندارد که فیلمی چون «به دنیا آمدن» هم برای شما لذت‌بخش نباشد.

فیلمی حرف می‌زنیم که تا حد قابل قبولی اندازه نگه داشته، به عبارت دیگر عبدالوهاب موفق می‌شود روی سوژه درست و بهنگامش به اندازه تمرکز کند. این از معدود دفعاتی است که یک فیلم با برجسته‌سازی اجتماعی تلاش نمی‌کند تمام معضلات را روی داریه‌اش بریزد. نوعی سینمای ژورنالیستی کم‌بینه که می‌خواهد در نود دقیقه همه حرف‌های جامعه پر از معضل ایران را بزند. طنز قضیه اینجاست که غالباً نمی‌توانند حتی یک حرف را هم درست بزنند و از فیلم‌های این چنینی تصویری کار یکا توری و یا شکنجه‌گر در ذهن داریم.

«به دنیا آمدن» اساد درباره مساله‌ای است که نزاع بر سر آن کم نبوده؛ فرزندآوری، عده‌ای آن فیلمی حرف می‌زنیم که تا حد قابل قبولی اندازه نگه داشته، به عبارت دیگر عبدالوهاب موفق می‌شود روی سوژه درست و بهنگامش به اندازه تمرکز کند. این از معدود دفعاتی است که یک فیلم با برجسته‌سازی اجتماعی تلاش نمی‌کند تمام معضلات را روی داریه‌اش بریزد. نوعی سینمای ژورنالیستی کم‌بینه که می‌خواهد در نود دقیقه همه حرف‌های جامعه پر از معضل ایران را بزند. طنز قضیه اینجاست که غالباً نمی‌توانند حتی یک حرف را هم درست بزنند و از فیلم‌های این چنینی تصویری کار یکا توری و یا شکنجه‌گر در ذهن داریم.

با راه صلاح کشور می‌دانند، چون معتقدند بنیه خانواده را تقویت می‌کند، منجر به جمعیت‌سازی می‌شود و البته عمل انگیزشی است، موافقان فرزندآوری البته به مفهوم خانواده به شکل سنتی آن توجه می‌کنند، مخالفان اما تمام مسائل را از جاع می‌دهند به معضلات ریز و درشت موجود در جامعه و عملاً و علناً فرزندآوری را غیر ممکن می‌دانند و معتقدند آش را شورتر می‌کنند. حضور نمادین زن و شوهر فیلم که این دو نگاه را به شکلی (تقلیل یافته) نمایندگی می‌کند، موقعیت‌سازی درست فیلمنامه‌نویس است، همین موقعیت‌سازی‌های درست را در زوج جوان تر داستان که انگار آینده کاراکترها را ترسیم می‌کند، می‌بینیم.

«به دنیا آمدن» درباره مساله‌ای است که نزاع بر سر آن کم نبوده؛ فرزندآوری، عده‌ای آن راه صلاح کشور می‌دانند، چون منجر به جمعیت‌سازی می‌شود و عده‌ای دیگر با اشاره به معضلات ریز و درشت موجود در جامعه، عملاً و علناً فرزندآوری را غیر ممکن می‌دانند

به سمت پری نیافتد و آینده‌هایی دیگر را هم متصور شود. این همه از فیلمنامه گفتیم و نوشتیم بد نیست کمی هم به نقش دوربین در روایت «به دنیا آمدن» اشاره کنیم، جایی که قطع‌های سریع یا همان کات‌ها، ذهنیت درگیر دو کاراکتر اصلی را روی تصویر باز نمای می‌کند، در واقع باید برگردیم به بحث ابتدای متن، همان که از فیلم برداشته‌ایم. این فیلم اتمسفر گفتیم، حالا دوربین در روایت «به دنیا آمدن» چنین فیلمی که در ذهن می‌گذرد چگونه می‌تواند از لحاظ بصری دچار یکنواختی نشود؟ یا همین تمهیدات، برش‌های سریع و تحرک دوربین روی دستی که تنش نه، اما حرکت ایجاد می‌کند و در واقع ذهن فرهاد و ذهن مشوش پری را برای ما تصویر می‌کند. بد نیست موقعیت فیلم را به لحاظ فکری هم سنجه کنیم، «به دنیا آمدن» یک فیلم کاملاً مدرن است، اگر مدرنیته را بر اساس مظاهر آن سطحی تصور نکنیم (همان تفکر رایج در سینمای به اصطلاح کمدی ایرانی) فیلم عبدالوهاب در نقطه مقابل چنان سینمایی است، فیلمی البته به غایت انسانی.

یادداشت

در حاشیه حاشیه‌سازی یک فیلمساز

تهمینه میلانی؛ کپی می‌کنم پس هستم

آبان نامجو

شهر یور ۹۷ بود که تهمینه میلانی با نمایشگاه نقاشی «فیلم‌هایی که نساختم» خبر ساز شد. نام نمایشگاه تعدماً در اعتراض به شرایط بد فیلمسازی انتخاب شده بود و اما تنها چیزی که به چشم نیامد، همین عنوان اعتراضی بود. گو این که روز دوم نمایشگاه مساله کپی کاری تمام نمایشگاه میلانی را با خودش بلعید. اعتراض‌ها از لحاظ ماهیت بر دو نوع بود؛ فاز اول این بود که فضای گالری‌ها را نباید با شهرت و ارتباط اشغال کرد، یعنی همان کاری که میلانی به واسطه شهرتش در سینما کرد. منتقدان که عمدتاً هم دانشجویان رشته هنر بودند لغو نمایشگاه شدند. فاز دوم اما چیز دیگری بود. عده‌ای از هنرمندان عرصه‌های تجسمی نقاشی‌های میلانی را ضعیف و بدتر این که کپی شده تلقی کردند. آن‌ها البته دست پر هم داشتند و با سانس نشان دادند که میلانی از آثار «جنی میلیهوف» هنرمند روسی که در حوزه طراحی کتاب کار می‌کند و برخی آثار «آمانو مودیلیانی» نقاش مشهور ایتالیایی کپی کرده‌است. واکنش میلانی اما قانع کننده نبود و یک پست اینستاگرامی گذاشت و نوشت نمی‌دانستم، بماند که نوع قیمت گذاری تابلوها هم خیلی منطقی نشان نمی‌داد، عده‌ای به همین هم انتقاد کردند، اما آن قدر اوضاع در هم بود که این نقد خیلی به چشم نیامد.

آن دیگری که دیگر فیلم نمی‌سازد

روزگار گذشت و تهمینه خانم ظاهر اعطای فیلمسازی را به لقایش بخشیده بود، همسر گرمی (نیک‌بین - تهیه‌کننده سینما) هم که البته ید طولایی در فیلمسازی دارد، احتمالاً به صلاح نمی‌دانست خانم میلانی وار فضای فیلمسازی شود، پس دوباره نمایشگاه نقاشی به پا شد! این بار با عنوان: «آن دیگری». این بار اما او پیش دستی کرد و در متنی که پیش از نمایشگاه منتشر کرد، تلاش داشت تا کمی زهر ماجرا را بگیرد: «در این راه، از همه چیز و همه کس الهام می‌گیرم. عکاسان، نقاشان نامی و یا کمتر شناخته شده جهان، سسمیل و نمادهای ایران باستان، تجارب زیسته و قصه آدم‌های پیرامونم. آنها با عبور از جهان بینی و سلیقه فردی من، فرم و محتوای جدیدی می‌یابند. نقاشی‌های من سبک مشخصی ندارند و شاید سال‌ها طول بکشد تا با راهنمایی اساتید و نقد کارشناسی به زبان ویژه خود دست یابم. سبک، بافت و تکنیک هر نقاشی را بسته به موضوع یا داستانی که مرا می‌آشوبد یا به وجد می‌آورد، بر می‌گزینم»

ماستمالی ناکافی!

با این حال حجم ماستمالیزاسیون! خانم میلانی کافی و یا قانع کننده نبود. برنامه ویدئویی «فیلم‌کات» قرار بود بستری شود تا تهمینه خانم را تبرئه کند اما بدتر بدتر شد، میلانی مقابل گلمکانی (که البته این نقش برانده‌اش نبود) نشست و در فضایی که فراهم بود تا متکلم وحده باشد، هر چه دلش خواست گفت. اما از کوزه همان برون تراود که در اوست، هر چقدر



میلانی به واژه‌های مبهمی چون الهام گرفتن متوسل می‌شد، بوی بد داستان بیشتر در می‌آمد، مساله منتقدان میلانی حالا این نیست که چرا کسی یک گالری را به واسطه شهرتش قبضه کرده، حتی برای سه روز. مساله آن‌ها شاید از این جای کار به بعد حجم توجیه‌گری سینماگری است که سال‌ها در این ملک فیلم ساخته و از بد حادثه جایگاهی هم دارد. برای این که به گنه ماجرا بر سیم ار جاعتان می‌دهم به آن چند خط گلستان برای میلانی: «هرگز معتقد و موافق با این حرف که چرا آدم‌های معروف وارد حیطه دیگری از هنر می‌شوند و به خودشان اجازه می‌دهند نقاشی کنند یا کتاب بنویسند یا عکاس شوند یا از سینما به تئاتر بروند، نبوده‌ام و فکر می‌کنم این یک طرز فکر کاملاً دیکتاتوری و مستبدانه است. به عنوان خواهر بزرگ تری

که همیشه دوستان داشته، می‌گویم که اگر شما هم از مردم معذرت می‌خواستید و می‌گفتید اشتباه کردم، مطمئن باشید که هم کار درستی کرده بودید و هم شأن هنرمند بودن، فعال مدنی بودن، فمینیست بودن، الگوی زنان معترض و آزاده بودن و تمام فعالیت‌های هنری و مدنی‌تان به این اندازه زیر سوال نمی‌رفت که بدجوری زیر سوال رفته. واکنش‌هایتان، واکنش‌های یک دختر بچه بی‌منطق لجباز بود که بدجوری من را به حیرت انداخت و از این حیرت بسیار بسیار متأسف هستم»

مساله اصلی همین سطور بالاست، یک وقاحت حق به جانب شاید، تا حدی که در همان گفتگو با گلمکانی، میلانی می‌گوید سوفیا کاپولازا سوپر استار او کپی برداری کرده‌است!